



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در طبقه دوم ارث یعنی إخوه و اجداد و در مورد کلاله بود، مشی فقهاء ما اینطور بوده که بعد از ذکر أدله و نقل اقوال کلیات و اصولی را معین می کردند و بعد فروعاتی را بر اساس آن اصول می نوشتند و اجتهاد نیز همین "تفریع الفروع علی الاصول" می باشد و هر مقدار ما در این مسئله مهارت بیشتری داشته باشیم دلیل بر اجتهاد کامل می باشد.

خب واما در طبقه دوم ابتدا در مورد إخوه یعنی همان کلاله أبوینی و ابی و اُمی بحث کرده اند و بعد به سراغ اجداد رفته اند.

اجداد اقسامی دارد، هر انسانی در مرحله اول چهار جد دارد؛ جد و جد و ابی و جد و جد و اُمی، حالا هرکدام از اینها پدر و مادری دارند که می شوند مرحله دوم و به همین ترتیب شمرده اند و مسائلی را برای آنها بیان کرده اند.

فصولی برای إخوه به تنهایی و فصولی برای جد به تنهایی و فصولی نیز برای جمع بین اب و جد ذکر شده است و اصول و فروعی نیز درباره إخوه و اجداد ذکر شده؛ أخ تنها، أخت تنها، أختان، أخوات، کلاله با هم، جد تنها، اجداد با هم.

خب واما اصول مباحث طبقه دوم ارث یعنی إخوه و اجداد در پنج فصل ذکر شده، فصل اول إخوه و أخوات بدون اجتماع با اجداد چون اجداد و إخوه هم طبقه هستند لذا گاهی تک در مورد آنها بحث شده

و گاهی هر دو را با هم مورد بحث و بررسی قرار داده اند مثلاً؛ الأخ وحده، الأخت وحدها، الأخ المتعدد، الأخوات المتعدد و اجتماع الأخ والأخت.

فصل دوم اجداد بدون اجتماع با إخوه و أخوات که این نیز تقسیماتی دارد؛ اجداد أربعه، جد و جد و ابی، جد و جد و اُمی.

فصل سوم إخوه و أخوات با هم.

دو مثال ذکر می کنیم تا بتوانیم مسائل را بهتر تحلیل کنیم و بفهمیم:

مثال اول: شخصی فوت کرده درحالی که پنج برادر أبوینی و پنج برادر اُمی دارد(هیچگاه إخوه ابی با إخوه أبوینی جمع نمی شود زیرا همیشه إخوه أبوینی بر إخوه ابی مقدم است)، در قران کریم إخوه أبوینی ثلثان و إخوه اُمی ثلث می برند، در اینجا ذاتاً در مرحله اول ترکه به سه قسمت تقسیم می شود چون دو مخرج ۳ داریم که با هم متمائل هستند، وقتی ترکه قسمت شد دو حالت پیش می آید؛ گاهی بعد از تقسیم انکسار پیش نمی آید و سهم هر کس معین است و به او می دهیم ولی گاهی انکسار پیش می آید که در اینجا همینطور است چون دو سوم دادیم به إخوه أبوینی در حالی که آنها پنج نفر هستند و همچنین یک سوم دادیم به أخوه اُمی در حالی که آنها نیز پنج نفر هستند، خب در اینجا باید سهام را در نظر بگیریم که سهام برادران أبوینی ۵ است و سهام برادران اُمی نیز ۵ می باشد، عدد سهام اینها با هم متمائلین هستند لذا یکی از آنها را أخذ می کنیم و بعد در اصل فریضه یعنی ۳ ضرب می کنیم حاصلش می شود ۱۵ و حالا ۱۰ سهم را به برادران أبوینی و ۵ سهم را به برادران اُمی می دهیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمّد و آله الطاهیرین

مثال دوم: شخصی فوت کرده درحالی که دو پسر و سه دختر از کلاله أبوینی و همچنین دو پسر و سه دختر از کلاله أمی دارد، در إخوه أمی مذکر و مونث مساوی هستند ولی در إخوه أبوینی "للذکر مثل حظ الأنثیین" می باشد، اصل فریضه به سه قسمت تقسیم می شود چون سهم اصلی إخوه أبوینی دو سوم و سهم اصلی إخوه أمی یک سوم است که با هم متمثلین هستند لذا یکی را أخذ می کنیم، اما سهام إخوه أبوینی ۷ است زیرا "للذکر مثل حظ الأنثیین" می باشد و سهام إخوه أمی ۵ است زیرا مساوی سهم می برند، در هر دو مورد انکسار بوجود آمده زیرا إخوه أبوینی ۵ نفرند و دو سوم سهم به آنها دادیم و إخوه أمی نیز ۵ نفرند و یک سوم به آنها دادیم، خب و اما به سراغ سهام می رویم که سهام إخوه أبوینی ۷ و سهام إخوه أمی ۵ می باشد که با هم متباین هستند لذا أحدهما یضرب فی الآخر که حاصل ضرب می شود ۳۵ ، حالا ۳۵ را در فریضه اولیه یعنی ۳ ضرب می کنیم که حاصلش می شود ۱۰۵ و از این مقدار ۷۰ سهم برای إخوه أبوینی است که به ۷ قسمت تقسیم می شود و ۳۵ سهم برای إخوه أمی می باشد که به ۵ قسمت تقسیم می شود.

خب و اما مطلبی که لازم است ذکر شود در مورد اجداد می باشد، در وسائل الشیعة ابوابی منعقد شده که در آنها ذکر شده که ارث إخوه و اجداد مساوی می باشد، اول باب ۶ از ابواب فرائض و مواریث است که در صفحه ۴۸۸ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است و عنوان باب این است که: «باب ۶ : أن الجد مع الإخوة كالأخ والجدة كالأخت فیتساویان إذا اجتمعا وكذا إذا تعددوا، وان اختلفوا لأب أو أبوین فللذکر مثل حظ الأنثیین».